

مناظره، گفت و گو و سؤال و جواب به بیان مقصود می‌پرداخت. نسخه‌ای دست‌نویس از دیوان روحی به شماره ۶۳۸ در کتابخانه آکادمی علوم تاجیکستان نگهداری می‌شود.

منابع: تاریخ نظم و نثر، ۱/۳۲۴، ۶۲۷؛ دایرةالمعارف شوروی تاجیک، ۶/۴۶۰، الذریعه، ۹/۳۸۷، روز روشن، ۱۳۱۶، فهرست دست‌نویس‌های شرقی در آکادمی علوم تاجیکستان، ۲/۴۹۲-۴۹۳؛ فهرست نسخ خطی فارسی استیتوی آثار خطی تاجیکستان، ۱/۱۸۵؛ مجالس الثقات، ۱۵۹.

ت. آتشین

روحی سمرقندی (ru.hi-ye.sa.mar.qan.di)، سده ششم هجری، شاعر ایرانی. در ولوالج فرارود زاده شد. در جوانی به دربار سلجوقیان راه یافت و چندی در خدمت آنان بود. از سبک مسعود سعد سلمان، فرخی و قطران پیروی می‌کرد. وی طنز و لطیفه را نیکو می‌سرود و به قطعه‌سرایی معروف بود. شماری از اشعارش در قالب‌های گوناگون شعری در تذکرها آمده است.

منابع: تاریخ نظم و نثر، ۱/۱۰۰، تحفة سامی، ۲۷۶؛ دایرةالمعارف شوروی تاجیک، ۶/۴۶۰، الذریعه، ۹/۳۸۸؛ سخنوران صیقل روی زمین، ۱۲۰؛ گلزار جاویدان، ۱/۵۶۳؛ لب‌الالباب، ۲/۱۶۵-۱۷۲؛ نمونه ادبیات تاجیک، ۴۹.

ت. آتشین

روحی سمرقندی، ابوبکر محمد فرزند علی ← روحانی سمرقندی

روحی ولوالجی ← روحی سمرقندی

رودکی (ru.da.ki)، ابو عبدالله جعفر فرزند محمد فرزند حکیم فرزند عبدالرحمان فرزند آدم، پنج‌رود ۳۲۹ق، شاعر ایرانی. از مردم رودک از روستاهای سمرقند بود. از کودکی و چگونگی تحصیل او آگاهی چندانی به دست نیست. در هشت سالگی قرآن آموخت و آن را از بر کرد و از همان هنگام به شاعری پرداخت. برخی می‌گویند در مدرسه‌های سمرقند درس خوانده است. آنچه آشکار است، وی شاعری دانش‌آموخته بود و چیرگی او بر واژگان فارسی چندان است که هر فرهنگ‌نامه‌ای از شعر او گواه می‌آورد. رودکی از روزگار جوانی آوازی خوش داشت و در موسیقی و نوازندگی چیره‌دست و پرآوازه بود. وی

کونی

روحانی سمرقندی (ru.hā.ni-ye.sa.mar.qan.di)، ابوبکر فرزند محمد فرزند علی، نیمه دوم سده پنجم و نیمه یکم سده ششم هجری، شاعر ایرانی. در سمرقند زاده شد و در غزنه و بخارا کمال یافت. فن شعر را از رشیدی سمرقندی فراگرفت. چندی مدح یمن‌الدین بهرام‌شاه غزنوی (۵۱۱-۵۵۲ق) می‌گفت و یک چند نیز مداح پادشاهان سلسله خوارزم‌شاهی بود. سپس ترک مدیحه‌گویی کرد و در سلک درویشان درآمد. در شعر روحانی تخلص می‌کرد و در غزل و معما ماهر بود. اشعاری از وی در تذکرها نقل شده است. وی به روحی سمرقندی نیز شهرت داشت.

منابع: آشنکده، چاپ شهیدی، ۳۴۱؛ تاریخ ادبیات ایران، اته، ۱۰۷؛ تاریخ ادبیات در ایران، ۲/۶۱۰-۶۱۴؛ تاریخ فوشته، ۱/۱۱۵؛ تاریخ نظم و نثر، ۱/۷۸؛ تذکره حسینی، ۱۳۲؛ تذکره الشعراء، ۱۰۹؛ تذکره الشعراء غنی، چاپ اسلم‌خان، ۱۲۴؛ تذکره ندوت، زیر «روحانی سمرقندی»؛ خلاصه الافکار، ۱۰۴؛ خیرالبیان، ۱۴۸؛ الذریعه، ۹/۳۷۷، روز روشن، ۲۶۱؛ ریاض الجنة، ۱۸۳۳؛ ریاض المعارفین، آفتاب‌رای، ۲۷۷؛ ریحانة الادب، ۲/۳۳۷؛ سخنوران صیقل روی زمین، ۳۸-۳۹؛ طبقات اکبری، ۵۹-۶۰؛ لب‌الالباب، ۲/۲۸۲-۲۸۶؛ مجمع الفصحا، ۲/۶۶۸؛ معزن الغرائب، ۲/۲۲۹-۲۳۰؛ منتخب اللطائف، ۱۸۵-۱۸۶؛ تاریخ الافکار، ۲۶۳؛ نگارستان سخن، ۳۳-۳۴؛ هفت اقلیم، ۳/۱۵۴۷-۱۵۴۹؛ محمد سلیم مظفر، «فارسی‌سرایان مهاجر در دوره سلاطین مملوک»، نامه پارسی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۸ش، صص ۱۳۳-۱۳۴.

ت. آتشین

روحی بخارایی (ru.hi-ye.hoxā.rā.i)، بخارا، پس از ۹۲۸ق، پزشک و شاعر تاجیک. در بخارا زاده شد. دانش‌های روزگار خود را در زادگاهش فراگرفت. سپس به هرات رفت و در محافل ادبی آن دیار نام‌آور شد. با عبدالرحمان جامی دیدار کرد و پس از مرگ وی به بخارا بازگشت و طبابت پیشه ساخت. در کسوت قلندری بود تا این‌که به ملازمت شیبک خان (۹۰۶-۹۱۶ق) درآمد و وی را در نبرد با سلطان حسین بايقرا (۸۷۳-۹۱۱ق) همراهی کرد. یک چند نیز داروغه کان فیروزه بود. روحی در جوانی درگذشت. غزل و رباعی را نیکو می‌سرود و در قالب

نزد ابوالعنک بختیاری موسیقی آموخت و همواره مورد ستایش او بود، آن چنان که استاد در روزگار کهنسالی چنگ خود را به رودکی چنگ نواز بخشید. رودکی در همان دوره شعر نیز می سرود. شعر و موسیقی در سده های چهارم و پنجم همچون روزگار پیش از اسلام به هم پیوسته بودند و شعر به همراه موسیقی خوانده می شد. شاعران بزرگ آنانی بودند که موسیقی نیز می دانستند. از هم روزگاران رودکی کسانی چون منجیک ترمذی (نیمه دوم سده چهارم) و یا پس از او فرخی (۴۲۹ق) استاد موسیقی زمانه خویش بودند. شاعران، معمولاً قصیده هایشان را با ساز و در یکی از پرده های موسیقی می خواندند. هرکس که صدایی خوش نداشت یا موسیقی نمی دانست، از راوی می خواست تا شعرش را در حضور ممدوح بخواند. رودکی شعرش را با ساز می خواند و در آن روزگار به خنیاگری برجسته آوازه داشت. رفته رفته آوازه رودکی به دربار سامانیان رسید و نصرین احمد سامانی (۳۰۱ - ۳۳۱ق) او را به دربار خواند. برخی بر این گمانند که او پیش از نصر بن احمد به دربار سامانیان رفته بود، در آنجا برآمد و بزرگترین شاعر دربار سامانی شد. در آن روزگار در محیط ادبی، علمی، اقتصادی و اجتماعی فرارود، آن چنان تحولی شگرف روی داده بود که دانش پژوهان، آن دوره را دوره نوزایی (رنسانس) ایرانی می نامند. امیران سامانی با نام نژاد ایرانی و از خاندان ساسانیان، به تحکیم موقع سیاسی خود پرداختند. جوش و خروش ملی که در آن دیار آغاز شده بود به گسترش و پیشرفت زبان و فرهنگ ایرانی انجامید. سمرقند و بخارا که در کشاورزی، داد و ستد و صنعت رونق یافته بودند، از مراکز مهم آن روزگار بودند. صنعت کاغذسازی سمرقند آوازه ای جهانی یافت و فراوانی برنج، گندم و برخی فرآورده های کشاورزی زیانزد بود. صنعت پارچه های پنبه ای، پشمی، گلیم بافی، ساختن ابزار چرمی، پرورش کرم ابریشم در بخارا به پیشرفتی چشمگیر رسیده بود. بر بستر چنین زمینه مناسب اقتصادی، اجتماعی و برپایه دانش دوستی برخی پادشاهان سامانی، همچنین باتلاش و خردمندی وزیرانی دانشمند و کاردان، چون ابوالفضل بلعمی (۳۳۰ق) و ابوعلی محمد جیهانی (۳۳۳ق)، بخارا به صورت مرکز بزرگ علمی، ادبی و فرهنگی درآمد. دربار سامانیان، محیط گرم بحث و برخورد اندیشه شد و شاعران و فرهنگ مداران از راه های دور و نزدیک بدان جا روی می آوردند. بهترین آثار علمی، ادبی و تاریخی،

مانند شاهنامه ابومنصوری، شاهنامه ابوالمؤید بلخی (سده چهارم هجری)، عجایب البلدان، حدود العالم من المشرق الی المغرب در جغرافیا، ترجمه تفسیر طبری که چند تن از دانشمندان فرارود فراهم کرده اند، ترجمه تاریخ طبری از ابوعلی بلعمی، آثار ابوریحان بیرونی (۴۴۰ق) و ابوعلی سینا (۴۲۸ق) در روزگار سامانیان پدید آمدند. دانشمندان برجسته ای مانند محمد زکریای رازی (۳۱۳ق)، ابونصر فارابی (۳۳۹ق)، ابوریحان بیرونی، ابوعلی سینا و بسیاری از شاعران بزرگ، مانند فردوسی (۴۱۰/۴۱۶ق) در این روزگار یا متأثر از آن برآمده اند. بزرگترین کتابخانه در آن دوره در بخارا بود که ابوعلی سینا آن را دید و گفت که نظیر آن را هرگز ندیده است. تأثیر این تحول، نه تنها در آن دوره که در روزگار پس از آن نیز پیدا است. رودکی فرزند چنین روزگاری است. وی در دربار سامانی نفوذی فراوان یافت و به ثروتی افزون دست یافت. نفوذ شعر و موسیقی او در دربار نصرین احمد چندان بود که داستان بازگشت پادشاه از هرات به بخارا، به خوبی بیانگر آن است. هنگامی که نصرین احمد سامانی به هرات رفته، دربرگاهی در آن دیار مانده بود، هیچ کس را یاری آن نبود تا از پادشاه بخواهد که به بخارا بازگردد؛ درباریان از رودکی خواستند تا او این وظیفه دشوار را بپذیرد. رودکی شعر پرآوازه «بوی جوی مولیان آید همی - یاد یار مهربان آید همی» را سروده، در سحرگاهی که امیر سرگرم می گساری بود با ساز و آواز در مایه عشاق خواند؛ امیر ناگهان از جای برخاست و پیاده به سوی بخارا روان شد. درباریان و شاعران، همه او را گرمی می داشتند و بزرگانی چون ابوالفضل بلعمی و ابوطیب مصعبی، صاحب دیوان رسالت، شاعر و فیلسوف، شهید بلخی (۳۲۵ق) و ابوالحسن مرادی شاعر با او دوستی و نزدیکی داشتند. گویند که وی از آغاز نابینا بود، اما با بررسی پروفیسور گراسیموف (۱۹۷۰م) بر جمجمه و استخوان های وی آشکار گردید که در پیری با فلزی گداخته چشم او را کور کرده اند، برخی استخوان هایش شکسته بود و در بیش از هشتاد سالگی درگذشت. رودکی، گذشته از نصر بن احمد سامانی کسانی دیگر مانند امیر جعفر بانویه از امیران سیستان، ابوطیب مصعبی، خاندان بلعمی، عدنانی، مرادی، ابوالحسن کسایی، عماره مروزی و ماکان کاکلی، را نیز مدح کرده است. از آثار او برمی آید که به مذهب اسماعیلی گرایش داشته است. شاید یکی از علت های کور شدن او در روزگار پیری، همین باشد. رودکی

در پیری با بی‌اعتنایی دربار روبه‌رو شد و به زادگاهش بازگشت. شعرهای روزگار پیری او، سرشار از شکوه روزگار، حسرت از گذشته و بیان ناداری است. رودکی از شاعران بزرگ سبک خراسانی است. شعرهای اندکی از او به یادگار مانده است که بیشتر آن‌ها به صورت بیت‌هایی پراکنده از قطعه‌های گوناگون است. کامل‌ترین مجموعه عروض فارسی، نخستین بار در شعرهای رودکی پیدا شد و در همین شعرهای باقی مانده، سی و پنج وزن گوناگون دیده می‌شود. این شعرها دارای گشادگی زبان و توانایی بیان است. زبان او، گاه از سادگی و روانی به زبان گفتار می‌ماند. جمله‌های کوتاه، فعل‌های ساده، تکرار فعل‌ها و برخی از اجزای جمله مانند زبان محاوره در شعر او پیدا است. وجه غالب صور خیال در شعر او، تشبیه است. تشبیهات از امری حسی به حسی یا انتزاعی به حسی است. تخیل او نیرومند است. پیچیدگی در شعر او راه ندارد و شادی‌گرایی و روح‌افزایی، خردگرایی، دانش دوستی، بی‌اعتبار دانستن جهان، لذت‌جویی و به خوشبختی اندیشیدن در شعرهای او موج می‌زند. وی نماینده کامل شعر دوره سامانی و اسلوب شاعری سده چهارم است. تصویرهایش زنده و طبیعت در شعر او جاندار و تپنده است. پیدایی و مطرح کردن رباعی را به او نسبت می‌دهند. رباعی در بنیاد، همان ترانه‌هایی بود که خنیاگران می‌خوانده‌اند و به پهلویات مشهور بوده است. رودکی به اقتضای آوازه‌خوانی به این نوع شعر بیشتر گرایش داشت و شاید نخستین شاعری باشد که بیش از دیگر گویندگان روزگارش در ساختن آهنگ‌ها از آن سود برده باشد. از بیت‌ها، قطعه‌ها، قصیده‌ها و غزل‌های اندکی که از رودکی به یادگار مانده، می‌توان به نیکی دریافت که او در همه فنون شعر استاد بوده است. تعداد شعرهای رودکی را از صد هزار تا یک میلیون بیت دانسته‌اند. آنچه اکنون مانده، بیش از هزار بیت نیست که مجموعه‌ای از قصیده، مثنوی، قطعه و رباعی را در برمی‌گیرد. از دیگر آثارش منظومه کلیله و دمه است که محمد بلعمی آن را از عربی به فارسی برگرداند و رودکی به خواسته امیرنصر و ابوالفضل بلعمی آن را به نظم فارسی درآورده است (به باور فردوسی در شاهنامه، رودکی به هنگام نظم کلیله و دمه کور بوده است). این منظومه مجموعه‌ای از افسانه‌ها و حکایت‌های هندی از زبان حیوانات است که تنها صد و بیست و نه بیت آن باقی مانده است و در بحر رمل مسدس مقصور سروده شده است. مثنوی‌های دیگری در بحرهای متقارب، خفیف، هزج

مسدس و سریع به رودکی نسبت می‌دهند که بیت‌هایی پراکنده از آن‌ها به یادگار مانده است. گذشته از آن، شعرهایی دیگر از وی در موضوع‌های گوناگون مدحی، غنایی، هجو، وعظ، هزل و رثا و چکامه مادر می‌که بزرگ‌ترین چکامه او است و به خواست نصرین احمد برای ابوجعفر پانویه سروده شده، در دست است.

منابع: ابوعبدالله رودکی، عبدالغنی میرزابف، نشریات دولتی تاجیکستان، استالین‌آباد، ۱۹۵۸م؛ ادبیات توصیفی، ۸-۱۳؛ استاد رودکی، صدرالدین عینی، استالین‌آباد، ۱۹۴۰م؛ اشعار رودکی، انتخاب و شرح جعفر شعار و حسن انوری، نشر علم، ۱۳۷۳ش؛ باکاروان حله، ۹-۱۷؛ بخارا، ریچارد ن. فرای، ترجمه محمود محمودی، علمی و فرهنگی، ۱۳۵۶ش؛ تاریخ ادبیات ایران، براون، ۲۷/۱-۲۹، ۵۲۱، ۶۶۴، ۶۸۶؛ تاریخ ادبیات در ایران، ۲۷۱/۱-۲۸۸؛ تاریخ ادبیات فارسی تاجیک، براگینسکی یوسف، مسکو، ۱۹۷۲م (روسی)؛ تاریخ ادبیات فارسی تاجیک، برتلس، مسکو، ۱۹۶۰م (روسی)؛ تاریخ ایران کسیربیچ، ۴/۵۲۹-۵۳۰؛ چشمه روشن، ۱۷؛ چهارمقاله، ۳۱-۳۲؛ دایرةالمعارف شوروی تاجیک، ۶/۴۴۸-۴۵۳؛ دیوان کامل رودکی سمرقندی، با تصحیح و مقدمه اسماعیل شاهرودی، ۱۳۷۲ش؛ رودکی بنیادگذار ادبیات کلاسیکی فارسی تاجیک، استالین‌آباد، ۱۹۵۸م؛ رودکی، روزگار و آثار او، طاهر جان‌اوف، لنینگراد، ۱۹۶۸م؛ رودکی؛ رودکی و انکشاف غزل در عصرهای پنج تا هفت، عبدالغنی میرزابف، استالین‌آباد، ۱۹۵۷م؛ صور خیال، ۳۱۴-۴۲۳؛ سخن و سخنوران، ۱۸-۲۴؛ محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، سعید نفیسی، امیرکبیر، ۱۳۳۶ش؛ معزن الغرائب، ۲/۲۰۶-۲۱۰؛ مقالات ادبی، جلال‌الدین همایی، ۱/۳۶-۴۳؛ مقالات تربیت، ۲۲۲-۲۲۳؛ نثر عشق، ۲/۶۰۲-۶۰۴؛ نور و ظلمت در تاریخ ادبیات ایران، م. ای. زند، ۴۷-۵۶؛ یادداشت‌های قزوینی، ۵/۱۱۱۸-۱۱۱۸؛ عبدالملکی دستغیب، رودکی، شاعری با الفاظ خوش و معانی رنگین، پیام نوین، سال هفتم، شماره ۲، صص ۱۵-۲۶؛ شماره ۳، صص ۲۳-۵۴؛ چشمه روشن، کذک، مهر، ۱۳۶۹ش، شماره ۷، صص ۶-۹؛ محمد دبیرسیاقی، «رودکی و سندبادنامه»، پنا، سال هشتم، شماره ۴، صص ۲۱۸-۲۲۳.

نیایان

رودکی، احوال و آثار، تاریخ تحقیق (ru.da.ki.ah.vál.va.â.sâr)

(tā.rīx-e.tāh.qīq)، کتابی در یادکرد زندگی و آثار رودکی، نوشته

ملاحمد

رودکی و انکشاف غزل در عصرهای ده تا پانزده میلادی (ru.da.ki.en.ke.saf-e.qa.zal.dar.asr.hā.ye.dah.tā.panz.da.ye.mi.jā. di) رساله‌ای در ادبیات‌شناسی، تألیف عبدالغنی میرزایف* . این رساله که در پنج فصل تدوین یافته، درباره آثار نظری رشید و طواط، شمس قیس رازی، نظامی عروضی، امین‌احمد رازی، قبول محمد، میراث شعرای مستقدم و تحقیقات دانشمندان متأخر نوشته شده است. مؤلف در این رساله نتیجه می‌گیرد که غزل در سده پنجم هجری، جدا از قالبی که داشته، بیشتر مایه‌های عشقی داشته است و به صورت گونه‌ای مستقل از شعر سر برآورد. رودکی و انکشاف غزل نخستین بار در ۱۹۵۷م در استالین‌آباد (دوشنبه) به چاپ رسیده و پس از آن بارها تجدید چاپ شده است.

منابع: از تاریخ ادبیات فارسی تاجیک، اس. برگانسکی، مسکو، ۱۹۷۲م، صص ۱۶۶-۱۷۲؛ اسرار سخن، ۵۷-۷۰؛ رودکی و انکشاف غزل در عصرهای ده تا پانزده میلادی، استالین‌آباد، ۱۹۵۷م.

قادیانی

روزنامه (ruz.nā.me)، کتابی به فارسی، نوشته محمد شریف‌جان مخدوم / صدرضیا، شاعر، تاریخ‌نگار، دانشمند و تذکره‌نویس تاجیک (بخارا ۱۲۸۳ / ۱۸۶۷ - همان‌جا ۱۳۵۰ق / ۱۹۳۲م). این اثر زندگینامه خود نوشت مؤلف است و در آن از رویدادهایی که بر مؤلف و روزگار او گذشته، یاد رفته است. این اثر به هنگام دستگیری مؤلف در ۱۳۳۶ق / ۱۹۱۸م نابود شد، اما صدرضیا آن را دوباره نوشت. خودش در این باره می‌گوید: «بنا به پیری و بُعد عهد بسیاری چیزها بعضی متروک برخی مشبه می‌شد.» با این همه روزنامه در شناختن ماهیت روشنگری تاجیک و تاریخ بخارا در سده بیستم میلادی اهمیت فراوان دارد. نسخه‌های دست‌نویس از آن، به خط خود مؤلف، به شماره ۲۲۷۷ در کتابخانه فرهنگستان علوم جمهوری ازبکستان نگاه‌داری می‌شود.

منابع: ادبیات تاجیک در سده دوم عصر نوزدهم، رسول‌هادی‌زاده، زیر «صدرضیا» ادبیات فارسی بر بنای تألیف استوری، ۲/۷۰۷؛ تاریخ تذکره‌های فارسی، ۱/۲۷۶؛ دایرة‌المعارف شوروی تاجیک، ۶/۲۹۰؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ۲/۹۷۴؛ مجموعه نسخه‌های

عبدالرحمان طاهرجانوف، استاد پیشین دانشگاه دولتی پترزبورگ. مؤلف در این کتاب از منابع تاریخی و ادبی و آرا و نظریات محققان کتونی بهره جسته است. کتاب در یک پیش‌گفتار و چهار باب تدوین شده است. آغاز پیش‌گفتار آن چنین است: «الحقیقة بنت البحث...» باب یکم در شرح احوال رودکی است و دربردارنده مطالبی درباره نام و کنیه، سال تولد و درگذشت، دوره اول زندگی و حیات رودکی در دربار سامانیان است. باب دوم درباره کوری رودکی است. باب سوم درباره مسئله فرمطی و مناسبت رودکی با آن است. باب چهارم درباره مسائل مربوط به آثار رودکی است. مؤلف در این کتاب همه تحقیقات رودکی‌شناسان را، تا نیمه‌های سده بیستم میلادی، جمع‌بندی کرده و منابع تاریخی، ادبی و آثار تحقیقاتی را به زبان‌های روسی، تاجیکی، ازبکی، گرجی، اروپایی و فارسی، در پایان اثر خود آورده است. رودکی، احوال و آثار، تاریخ تحقیق به چاپ رسیده است. (لنین‌گراد، ۱۹۶۸م).

ملاحمد

رودکی، نسخه‌شناسی و نقد و بررسی اشعار بازمانده (ru.da.ki.en.ke.saf-e.qa.zal.dar.asr.hā.ye.dah.tā.panz.da.ye.mi.jā. di.nos.xe.še.nā.si.va.naqd.va.bar.re.si-ye.aš.ār-e.bāz.mān.de)

کتابی درباره اشعار رودکی به فارسی نوشته عبدالمنان نصرالدین / نصرالدینوف*. این کتاب در یک پیش‌گفتار و دو بخش تدوین شده و هر بخش دارای چندین باب است. بخش یکم باب‌های نسخه‌شناسی و نثر اشعار رودکی، منسبیت آثار، تغییرات متن و شرح اشعار رودکی را دربر می‌گیرد. به این بخش فصل‌های معنی‌گذاری در نظم رودکی و معاصران او، اصالت سخن و صحت متن، بلخ‌یابی یا بلخ‌نامی و بیت تازه فراواوی ضمیمه شده است. بخش دوم باب‌های توضیحات درباره نشر اشعار رودکی، فهرست سرچشمه‌های اشعار رودکی و دیوان اشعار رودکی را دربر می‌گیرد. فصل‌های اشعار تازه رودکی که در مقاله علی‌اشرف صادقی فراهم آمده است، اشعار به تازگی بازیافته براگنسکایان، احوال و اشعار رودکی در تذکره آتشکده در ضمیمه این بخش آمده است. این کتاب با در نظر داشتن دریافت‌های نوین رودکی‌شناسان جهان و گردآوری نشرهای گوناگون آثار رودکی تألیف شده است. در بخش دوم به دیوان رودکی سمرقندی که به کوشش سعید نفیسی و ابراهیمسکی به چاپ رسیده، استناد شده است. این کتاب در خجند به چاپ رسید. (۱۹۹۹م)